أَجَّلَ : به تأخیر انداخت

(مضارع: يُؤَجِّلُ/مصدر:تَأجيل)= أَخَّرَ

اِضْطَرَّ : ناگزیر کرد (مضارع: يَضْطَرُّ)

تُضْطَرُّ: ناگزیر می‌شوی

إطار : تایر، چارچوب

إطارٌ احْتياطيّ : چرخ یدکی

تَبَيَّنَ : آشکار شد (مضارع: يَتَبَيَّنُ)

خُطَّة : نقشه، برنامه «جمع: خُطَط»

زاوِيَة : گوشه «جمع: زَوايا»

ساقَ : رانندگی کرد (مضارع: يَسوقُ)

صُعوبَة : سختی ≠ سُهولَة

ضَمِنَ :ضمانت کرد

(مضارع: يَضْمَنُ)

عاهَدَ : پیمان بست

(مضارع: يُعاهِدُ)

عِدَّة : چند

فَشِلَ :شکست‌خورد

(مضارع: يَفشَلُ)

قَرَّرَ : قرار گذاشت

(مضارع: يُقَرِّرُ)

كُنْ : باش

لَنْ : حرف نشانهٔ آیندهٔ منفی

مُحَدَّد : مشخّص شده

مَقال : گفتار = قَوْل، كَلام

نَدَبَ : فرا خواند (مضارع: يَنْدُبُ)

واجَهَ : روبه‌رو شد (مضارع: يُواجِهُ)

وَزَّعَ : پخش کرد (مضارع: يُوَزِّعُ)

جواب بده به سوالات زیر برطبق متن درس.

أَجِبْ عَنِ الْأَسئِلَةِ التّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

آیا موافقت کرد استاد که به تأخیر بیندازد امتحان را برای دانش‌آموزان به مدت دو هفته؟

١ــ هَلْ وافَقَ الْأُستاذُ أَنْ يُؤَجِّلَ الاِمْتِحانَ لِلطُّلّابِ لِمُدَّةِ أُسبوعَينِ؟

لا، بل وافق الأستاذ أن يؤجّل الإمتحان لمدة أسبوع واحد. نه بلکه موافقت کرد استاد که به تأخیر بیندازد امتحان را به مدت یک هفته.

هنگامی که گفت مرد به رسول خدا (ص) هنگامی که آمد نزد او؟

٢ــ ماذا قالَ الرَّجُلُ لِرَسولِ اللّهِ ﷺ حينَ جاءَ إلَيهِ؟

قال: عَلِّمني خُلقًا يَجمَعُ لي خيرَ الدنيا والآخِرة. گفت: به من اخلاقی بیاموز که خیر دنیا و آخرت را جمع کند برای من.

چه گفتند دانشجویان به استادشان تا سیما تی؟

٣ــ ما قالَ الطُّلّابُ لِأُستاذِهِم نادِمينَ؟

قالوا: تَعَلَّمنا درسًا لن أنساه أبدًا. گفتند: درسی یاد گرفتیم که هرگز آن را فراموش نخواهیم کرد.

چه کسی گفت «هر که دروغ بگوید موفق نمی‌شود»؟

٤ــ مَن قالَ «مَنْ يَكذِبْ لا يَنجَحْ»؟

الأستاذ: ابتدا

چطور تماس گرفتند دانشجویان با استاد؟

٥ــ كَيفَ اتَّصَلَ الطُّلّابُ بِالْأُستاذِ؟

اِتَّصلوا بالأستاذ هاتفيًّا. تماس گرفتند تلفنی.

چرا خندان شدند دانشجویان؟

٦ــ لِماذا فَرِحَ الطُّلّابُ؟

لأنّ خُطَّتهم لِتأجيلِ الإمتحان نَجَحَت. زیرا نقشهٔ آنان برای به تأخیر انداختن امتحان موفق شد.